خبر

مبارزه با مواد مخدر از طریق مقابله در کف خیابان و نیروی انتظامی ممکن نیست

● قائم‌مقام ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور گفت: مبارزه با مواد مخدر با سیم‌خاردارکشیدن و حفر کانال به دور کشور و اقدامات فیزیکی، امکان‌پذیر نیست و کاری فرهنگی و نرم‌افزاری نیاز دارد. سردار علی مویدی در مراسم تودیع و معارفه دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر استان قزوین، اظهار کرد: بحث اعتیاد در دنیا به‌عنوان یک سونامی و تهدید جهانی محسوب می‌شود و هیچ نقطه و جزیره‌ای از این بلای خانمان‌سوز در امان نیست. وی اعلام کرد: ۳۰۰ میلیون نفر در دنیا مبتلا به اعتیاد و مواد مخدر هستند و کانون تولید مواد مخدر کشور افغانستان و در نزدیکی ایران است. این نزدیکی مشکلات کشورمان را بیش‌ازپیش کرده است.

قائم‌مقام ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور در ادامه به اثرات سوء روان‌گردان‌ها اشاره کرد و افزود: روان‌گردان‌ها که در سال‌های اخیر رواج بیشتری پیدا کرده‌اند، مشکلات را پیچیده‌تر کرده است.

وی گفت: مبارزه با مواد مخدر امروز به‌عنوان یک اولویت در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

مویدی به وضعیت مطلوب استان قزوین در امر مبارزه با مواد مخدر اشاره و تصریح کرد: موقعیت استان قزوین به لحاظ صنعتی‌بودن و شرایط جغرافیایی، تهدیدهای خاصی را متوجه این استان کرده است.

وی تصریح کرد: آمار اعتیاد در کشور ۲،۶۵ درصد است؛ درحالی‌که این آمار در استان به ۱،۹۵ درصد رسیده است که نشان‌دهنده این است استان قزوین نسبت به سایر استان‌ها، آلودگی به مواد مخدر و اعتیاد کمتری دارد. قائم‌مقام ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور، بازدارندگی و پیشگیری را تنها راه عملی مبارزه با مواد مخدر دانست و گفت: برای کاهش اثرات سوء اعتیاد، پیشگیری‌کردن بهتر است و تمرکز روی پیشگیری از طریق خانواده، مدرسه و جامعه خواهد بود. وی از اقدامات استاندار قزوین قدردانی کرد و افزود: تمرکز روی پیشگیری، درمان و اشتغال‌زایی در استان قزوین، در کشور بی‌نظیر بوده و در نظر داریم برنامه‌های این استان را به‌عنوان مدلی برای کشور ارائه دهیم. مویدی تصریح کرد: مبارزه با مواد مخدر از طریق مقابله در کف خیابان و نیروی انتظامی ممکن نیست؛ زیرا مبارزه با مواد مخدر یک علم است و باید به‌صورت علمی با آن برخورد شود. همچنین مختار کرمی، دبیر اسبق ستاد هماهنگی مبارزه با مواد مخدر، گزارشی از عملکرد این ستاد ارائه داد و گفت: در استان ۱۱۵ مرکز MMT و ۲۲ مرکز میان‌مدت و کمپ ترک اعتیاد وجود دارد که سه‌هزارو ۸۰۰ نفر تحت پوشش این کمپ‌ها قرار دارند؛ دراین‌میان ۳۵۰ نفر را بانوان و بقیه را مردان تشکیل می‌دهند. وی افزود: در پنج‌ماهه اول سال ۹۵، شاهد حدود ۷۰ درصد افزایش کشفیات مواد مخدر در استان بوده‌ایم. ۸۰ هزار نفر تحت پوشش برنامه‌های پیشگیرانه قرار دارند و همچنین برنامه معرفی معتادان به کارآفرینان پس از بهبود، در دستور کار قرار دارد.

در این مراسم که فریدون همتی، استاندار قزوین، ایوب رحیمی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار و تعدادی از فرمانداران و مدیران دستگاه‌های استان، حضور داشتند؛ از تلاش‌ها و فعالیت‌های مختار کرمی تقدیر و اردشیر صفاپور به‌عنوان دبیر جدید ستاد مبارزه با مواد مخدر معرفی شد.

آمنه بهرامی از تهیه‌کننده فیلم «لانتوری» شکایت کرد

قصاص مال من است

شهرزاد همتی: آمنه بهرامی، قربانی اسیدپاشی که عامل اسیدپاشی را در لحظه قصاص چشم‌هایش بخشیده بود و بعد از این بخشش هم بارها ابراز پشیمانی کرد، این بار با حضور در دادسرای فرهنگ و رسانه و شکایت از تهیه‌کننده فیلم «لانتوری» که داستان اسیدپاشی را محور قرار داده است، دوباره خبرساز شده است.

داستان قربانیان زن اسیدپاشی تقریبا شبیه هم است، آنها یا قربانی حسادت شده‌اند یا جنونی که مجرم نام عشق روی آن گذاشته، زندگی آنها و نفس‌هایشان را با اسید همراه کرده است. حکایت اسید، حکایت گوشت است و آتش و ذوب‌شدن... قربانیان می‌گویند هنگامی که اسید روی صورتشان پاشیده می‌شود، صدای جزجزکردن پوستشان را می‌شنوند، همه آنها تا پایان عمر این صدا را فراموش نمی‌کنند. آمنه بهرامی هم یکی از آنهاست، او قربانی جنون مردی شد که می‌خواست به هر نحوی با او ازدواج کند، این جنون کار را به اسیدپاشی کشاند و صورت زیبای آمنه از بین رفت و بینایی هر دو چشمش را هم از دست داد. با وجود درد زایدالوصف آمنه بهرامی، او از پا ننشست و با تلاشی تقدیرشدنی توانست زندگی خود را سروسامان دهد. او تنها قربانی اسیدپاشی بود که توانست از رؤسای جمهور دوره‌های مختلف کمک مالی دریافت کند؛ این در حالی است که دیگر قربانیان اسیدپاشی از این کمک بی‌نصیب بودند. او توانست اقامت اسپانیا را نیز داشته باشد و در مصاحبه‌ای که سال‌ها پیش با خبرنگار این گزارش انجام داده بود، از کمک‌های بزرگ مسئولان اسپانیایی می‌گفت. آمنه بهرامی جزء زنان قدرتمندی محسوب می‌شود که در مشکل پیش‌آمده راه عزلت‌نشستن را برنگزید و با انتشار داستان زندگی‌اش هم توانست کمک‌های قابل‌توجهی به سمت خود گسیل کند. اما مسئله مهم درباره او نبود نگاه جمعی و اجتماعی به ماجرای اسیدپاشی است. او در گفت‌وگویی که با «شرق» انجام داده، جزئیات شکایت خود را این‌گونه مطرح می‌کند: «من سال ۸۹ یک قرارداد با هالیوود داشتم که داستان زندگی من ساخته شود ولی شرط این بود که متهم را قصاص کنم. من بخشیدم و آن قرارداد از بین رفت. دو سال بعد در سال ۹۱ یک کمپانی آلمانی با من برای ساخت فیلم زندگی‌ام مکاتبه کرد که سر دستمزد با آنها به توافق نرسیدم، دو سال بعد یعنی سال ۹۳، قرار شد آنها ۲۵۰ هزار یورو با دو درصد از فروش فیلم را به من بدهند. این مبلغ پیشنهادی من بود و آنها قبول کردند. ۲۵۰ هزار یورو معادل یک میلیارد تومان ایران بود، ولی من گفتم تا به من پول ندهید، هیچ قراردادی را امضا نمی‌کنم. آنها مدعی شدند چون هزینه آن را باید دولت آلمان بدهد و کمپانی خصوصی نیست، باید صبر کنید...». بهرامی در پاسخ به این سؤال که نام این کمپانی آلمانی چیست، گفت: «متأسفانه من متعهد شده‌ام که نامی از کمپانی نیاورم و وقتی هم کنار رفتند گفتند نه اسمی از ما ببرید و نه ما را درگیر این قضیه کنید، ما اگر می‌دانستیم می‌توانیم حقمان را از آقای درمیشیان بگیریم و اگر قانون سفت و سختی در ایران دراین‌باره بود، خودمان اقدام می‌کردیم». وی ادامه داد: «من در این ماجرا ۸۰ میلیون ضرر کردم. آنها گفتند ماجرای ساخت فیلم زندگی‌ام منتفی است و نمی‌توانند همکاری را ادامه دهند. آنها مدعی بودند بهمن ۹۴ فیلمی به نام «لانتوری» در جشنواره برلین به نمایش بین‌المللی درآمده که با اینکه ساختار ضعیفی داشته اما نکته‌های سخت و کلیدی زندگی شما در آن به نمایش گذاشته شده؛ پس سوژه این فیلم سوخته است».

کامبیز نوروزی، حقوق‌دان و فعال رسانه‌ای جزء کسانی است که فیلم را دیده و در گفت‌وگو با «شرق» خود را متعجب از اتفاقی می‌داند که آمنه بهرامی رقم زده، او به «شرق» می‌گوید: «اولا این شکایت مستلزم یک کارشناسی است، درحال‌حاضر این مسئله فقط یک ادعاست. هرکسی در هر زمانی می‌تواند علیه دیگری شکایت کند و طبیعتا مرجع قضائی شکایت او را ثبت می‌کند، اما نتیجه بعد از رسیدگی قضائی مشخص می‌شود. اینکه این فیلم تا چه اندازه به زندگی خانم بهرامی مرتبط است، امری است که باید کارشناسی شود. اما عرفا استفاده از یکی، دو جمله یا بعضی مشابهت‌ها الزاما به معنای استفاده از زندگی یک فرد به‌خصوص تلقی نمی‌شود». وی افزود: «این را که این دعوا به کجا می‌رسد نمی‌شود پیش‌بینی کرد. اما حداقل از نظر نحوه انعکاس این مطالب در رسانه‌های حرفه‌ای، آنچه مطرح شده یک ادعاست و در فرایند انتقال اخبار، نشریات رسمی باید توجه کنند آنچه مطرح می‌کنند ادعاست و نباید به شکل یک حکم آن را منعکس کنند. مثلا در موضوع واگذاری برخی املاک شهرداری، طبیعتا هنوز چیزی اثبات نشده و اگر نظری منتشر می‌شود، باید توجه شود که هنوز چیزی اثبات نشده. درباره موضوع خانم بهرامی از نظر حقوق رسانه باید توجه کرد آنچه ایشان می‌گویند، فقط ادعاست. در ضمن اخلاق حرفه‌ای ایجاب می‌کند که حقوق اشخاص در انتقال اطلاعات رعایت شود». وی در پاسخ به این سؤال که آمنه بهرامی به دادسرا مراجعه کرده، آیا این موضوع جنبه کیفری دارد، افزود:

آمنه بهرامی: من ناراحت می‌شوم وقتی می‌گویند مثل شما زیاد است، چون مثل من زیاد نیست، من حکم قصاص را برای اسیدپاشی گرفتم... مثلا داوود روشنی قربانی اسیدپاشی یک‌میلیاردو ۲۰۰ میلیون تومان گرفت تا قصاص نکند. این اتفاق به خاطر این افتاد که داوود روشنی قصاص را در دستانش داشت... انتهای اسیدپاشی اعدام بود، ولی من قصاص گرفتم... هنوز هم دارم دنبال دیه‌ام می‌دوم

«من نمی‌دانم چه عنوانی مطرح شده، ولی همان‌قدر که در اخبار منتشر شده، تصور نمی‌کنم ادعای ایشان عنوان کیفری داشته و جرمی اتفاق افتاده باشد. ایشان در واقع مدعی هستند که از بخشی از زندگی ایشان استفاده شده و باید این فیلم از ایشان اجازه می‌گرفته، در این صورت یک موضوع حقوقی است و باید در یک دادخواست از دادگاه حقوقی پیگیری شود. این مسئله یک امر کیفری نیست که از طریق دادسرا بتوان آن را پیگیری کرد. البته همان‌طور که گفتم اظهارنظر من مبتنی بر اخبار منتشره است».

آمنه بهرامی مدعی مسئله‌ای است که اثبات آن ساده به نظر نمی‌رسد؛ وی در پاسخ به این سؤال که با دیدن فیلم لانتوری این نکته به ذهن متبادر نمی‌شود که داستان زندگی شما روایت می‌شود، گفت: «این داستان، داستان زندگی من نیست و هیچ ربطی به من ندارد. داستان زندگی دو فرد تبهکار و یک خبرنگار است، با وجود این، آلمانی‌ها به من گفتند داستان زندگی تو سوخته». وی در تأکید خبرنگار مبنی بر اینکه جز شما قربانیان اسیدپاشی دیگری نیز در کشور هستند و نمی‌شود چون شما هم قربانی هستید، برای ساختن فیلم از شما مشورت بخواهند گفت: «اسیدپاشی در دنیا زیاد است، اما من اولین کسی بودم که در دنیا حکم قصاص را برای اسیدپاشی گرفتم. من اولین کسی بودم که بخشیدم، داستان زندگی شخص من نیست، ولی ماجرای قصاص و بخشش از من برداشت شده. شما قصاص و بخشش را از لانتوری حذف کنید، دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند». وی در پاسخ به این سؤال که معصومه دیگر قربانی اسیدپاشی نیز بخشیده است و اما او چنین ادعایی ندارد، افزود: «معصومه قربانی اسیدپاشی پدرشوهرش بود. حکم قصاص مال من است، چون قبل از من قصاصی وجود نداشت. الان هرکسی بخواهد می‌تواند قصاص بگیرد، اما اولین‌بار این حکم را من گرفتم. قصاص مال من است، حکمی است که من از دادگاه ایران گرفتم. اصلا این مسئله در جهان با پیگیری‌های من اتفاق افتاد. پس من چرا ۱۲ سال تلاش کردم تا حکم قصاص بگیرم. بعد از من، معصومه عطایی و داوود روشنی هم پیگیر شدند. اما من دلیل ایجاد حکم قصاص هستم». وی همچنین در پاسخ به این سؤال که مگر می‌شود چون شما پیگیر ایجاد حکم قصاص بودید، برای ساخت فیلم لانتوری از شما اجازه بگیرند، گفت: «قصاص به اسم من و برای من است و من برای گرفتن این حکم تلاش کردم. ایشان چیزی را که مال من است تصاحب کرده‌اند. قضیه من به دلیل قدرتی که دارم، جهانی شد.. معصومه را شما خبرنگارها بزرگ کردید. معصومه کاری نمی‌کند. به تلویزیون می‌آید و با زور دو کلمه حرف از او بیرون می‌کشند. آقای درمیشیان معصومه را با خودش همراه می‌کند، یا همین خانم بنی‌اعتماد که خودش را پشت درمیشیان پنهان کرده، او را به خانه من آورد و او نمی‌توانست یک کلام حرف بزند. رخشان بنی‌اعتماد هم پشت این قضیه است. این خانم می‌خواست در سال ۹۱ از زندگی من فیلم بسازد و خانم توکلی وکیلشان را پیش من فرستادند و من هم گفتم پول پیش می‌گیرم و آنها گفتند پول پیش نداریم و ماجرا تمام شد. حالا درمیشیان را جلو انداخته‌اند... کارگردان‌های دیگری هم برای ساخت زندگی من با من تماس گرفتند اما من گفتم این داستان زندگی من است و شما حق ندارید از قصه من و قصاص و بخشش استفاده کنید. اینها به اسم من ثبت شده». صحبت‌های بهرامی قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد؛ به او می‌گوییم ادعای شما مثل این است که کسی برای اولین‌بار به نوعی از سرطان مبتلا و درمان‌هایی روی او انجام می‌شود، بقیه هم سرطان می‌گیرند و درمان‌ها رویشان بعد از شخص اول پیش می‌رود و نمی‌شود گفت این بیماری مشخصا مال اوست، او می‌گوید: «وقتی شما می‌خواهید درباره درمان این بیماری صحبت کنید، می‌روید سراغ کاشف درمان آن. اما کسی سراغ من نیامد... این ادعا را هم که آقای درمیشیان سراغ حقوق‌دان رفته، قبول ندارم... چقدر حقوق‌دان بی‌سواد بوده که سراغ من نیامده. رخشان بنی‌اعتماد می‌دانسته باید با من صحبت می‌کرده... حالا خودش عقب ایستاده و درمیشیان را جلو انداخته... جامعه این‌طور نیست. آلمانی‌ها هم می‌توانستند خیلی راحت فیلم زندگی من را بسازند، اما از من اجازه گرفتند...». از بهرامی سؤال می‌کنیم انتقادی که همه به شما وارد می‌کنند این است که شما در کارهای خیریه جمعی مربوط به قربانیان اسیدپاشی وارد نمی‌شوید، دلیلش چیست و او می‌گوید: «نمی‌کنم، چون دروغ‌گو زیاد است. الان من جایی نمی‌روم که کارهای من به اسم دیگران ثبت شود. من آمدم به سوژه‌های اسیدپاشی کمک کنم، من تهمینه را به آلمان بردم و آنجا زندگی می‌کند. ولی او در ازای تشکر از من یک مشت دروغ گفت. من فقط یک سوژه اسیدپاشی نیستم که بنشینم و دیگران کمکم کنند. من برای چیزهایی که به دست آورده‌ام جنگیده‌ام و برای همین نمی‌گذارم به‌راحتی کسی از آنها استفاده کند. من رنج کشیدم، یک نفر بیخود چهره‌اش جهانی نمی‌شود. یکی از قربانیان اصفهان در برخی مراسم‌ها خودش را به نام من جا زده بود و برای همین من از او شکایت کردم و گفتم به این عملش پایان دهد. مردم ما فقط به چهره سوخته نگاه می‌کنند، اما من چهره اسیدپاشی نیستم، زندگی من با اسیدپاشی کلید خورد. من همان روزی که زیبایی‌ام تمام شد، گفتم دیگر وقت نشستن نیست. این حق من بوده، اما هنوز دیه‌ام را از دادگاه نگرفته‌ام. درمیشیان لحظه‌های زندگی من را دزدیده... من ۱۲ سال تلاش کردم و به همه جا رفتم... متأسفانه سوژه‌های اسیدپاشی یک‌سری افراد ضعیف هستند که کارهای من را به اسم خودشان ثبت می‌کنند. کسانی مثل درمیشیان هم یک‌سری افراد ضعیف و دزد هستند... من سه جا شکایت کردم و پیگیری می‌کنم. من ناراحت می‌شوم وقتی می‌گویند مثل شما زیاد است، چون مثل من زیاد نیست، من حکم قصاص را برای اسیدپاشی گرفتم... مثلا داوود روشنی قربانی اسیدپاشی یک‌میلیاردو ۲۰۰ میلیون تومان گرفت تا قصاص نکند. این اتفاق به خاطر این افتاد که داوود روشنی قصاص را در دستانش داشت... انتهای اسیدپاشی اعدام بود، ولی من قصاص گرفتم... هنوز هم دارم دنبال دیه‌ام می‌دوم...».

وی افزود: «شما بحث کمک گروهی می‌کنید، در برنامه ماه‌عسل آمدم به آنها کمک کنم، دیدم با یک مشت آدم بی‌عرضه و بی‌دست‌وپا طرفم. به یکی از قربانیان اسیدپاشی زنگ زدم، دیدم افسردگی گرفته... خیلی از آنها قرص اعصاب می‌خورند. من خودم در حال افتادن به ته دره هستم و می‌توانم خودم را نجات دهم، به آدم‌های بی‌عرضه و بی‌دست‌وپا کمک نمی‌کنم. من آمدم کمک کنم اما دیدم بی‌عرضه هستند. آدم‌هایی هم که می‌گفتند کمکت می‌کنیم، فقط برای شهرت آمده‌اند. الان هم در دادگاه تنها هستم، حتی وکیل ندارم. خودم حقم را می‌گیرم... داستان لانتوری داستان بخشش من است... من بزرگ‌ترین کاری که برای قربانیان اسیدپاشی کردم، گرفتن بخشش بود». بهرامی در پاسخ به این سؤال که پول عمل‌ها و درمانش را در خارج از کشور چگونه تهیه کرده، می‌گوید: «من مدتی کتابم فروش رفت، کتابم در آمریکای جنوبی به زبان اسپانیایی چاپ شده و به زبان آلمانی و چکی و فنلاندی هم ترجمه شده.

ادامه در صفحه ۱۷

یادداشت

پیاده در شهر

لطیف روحانی

● شهرهای ارگانیک، سالم، بانشاط، خودجوش و خوش‌اقبال شهرهایی هستند که بر پایه تنوع اقتصادی، انسانی، معماری و اختلاط کاربردهای توسعه‌یافته‌اند. بی‌توجهی شهرسازی مدرن به تعاملات اجتماعی و فضاهای مدنی شهروندان و گسترش مقیاس‌های ابرانسانی و افزایش سلطه سواره بر پیاده، سبب افزایش افسردگی، خلأ در مناسبات و تعاملات اجتماعی شهروندان شده است؛ بنابراین توجه به کیفیت زندگی اولویت شهرسازی در دنیای امروزی شده است.

بنابراین برای بازگرداندن شوق اجتماعی، افزایش سرزندگی و تقویت جنبه‌های انسانی و مدنی در شهرها، خلق مکان‌ها و جنبش بازطراحی خیابان‌ها برای پیاده‌راه به عنوان بانفوذترین و قوی‌ترین راهکار توسعه عرصه عمومی شهرها در دستور کار شهرسازان است. در واقع هدف جنبش پیاده‌راه‌سازی در شهرها نه صرفا عملکردهای فیزیکی و ارتباطی یا تثبیت و تقویت برخی کاربری‌ها و مسائل اقتصادی بلکه گسترش ارتباطات و تعاملات اجتماعی، فرهنگی و ایجاد مقیاس انسانی در عرصه عمومی است. به بیان دیگر پیاده‌راه‌ها بالاترین نقش اجتماعی را در جریان زندگی شهری به عهده دارند و باعث حضور داوطلبانه شهروندان در شهر، پایداری مراکز شهری، حذف ترافیک سواره، حس هم‌گرایی انسانی، تعامل و برخورد مستقیم شهروندان با گرایش‌ها، احساس‌ها و خواسته‌های متفاوت می‌شود و از همه مهم‌تر شور و سرزندگی را در فضای شهری ایجاد می‌کند. فراموش نکنیم که مهم‌ترین دستاورد مدرنیسم در عرصه شهرسازی سرعت است و سرعت، پارادایم غالب در برنامه‌ریزی شهرهای امروز است؛ چنانچه افزایش سرعت و فراوانی جابه‌جایی دو ویژگی اصلی شهرهای امروزی هستند و این دو شاخصه باعث شده‌اند که دستاوردهای یک‌جانشینی در شهرهای مدرن رنگ ببازند و به همان اندازه ارتباط‌های انسانی در سرعت بالا به حداقل برسند و خاطرات جمعی و تعلقات مشترکی که محصول تجربه‌های اجتماعی است کم‌رنگ شوند. فقدان خاطره مشترک شهروندان از فضا به کاهش روابط اجتماعی، پیدایش حس بیگانگی و نبود امنیت می‌انجامد. این درست که احزاب سیاسی و انجمن‌های صنفی صورت‌های مدرن حیات اجتماعی هستند اما به دلیل انحصار گفتمان سیاسی به حوزه‌های دولت، سیاست و اقتصاد عملا ارتباط پرقدرتی میان شهروندان به وجود نمی‌آورد و احزاب سیاسی اصولا ابعاد زندگی و نشاط اجتماعی و پیوندهای اجتماعی جامع الاطراف را در بر نمی‌گیرد. اما در مقابل مدنیت، به مثابه بارزترین صورت تحقق اجتماع انسانی، محصول زندگی انسان‌ها در عرصه عمومی معنی می‌شود و یک‌جانشینی به عنوان رکن مدنیت انسانی نخستین گام در تشکیل تمدن، شهر و حیات مدنی به شمار می‌رود؛ به این معنا که ارتباط متقابل و تعامل شهروندان با یکدیگر، دیدارهای شهروندی، گفت‌وگوهای چندجانبه و سرنوشت مشترک محصول مدنیت و یک‌جانشینی است. این‌گونه ما به جنبش شهرسازی در عرصه مدیریت شهری کشور نیاز داریم به تحول در ایجاد کیفیت زندگی و ارزیابی مجدد در کیفیت محیطی و پیاده‌راه‌های شهری در راستای ترسیم شهری پیاده‌مدار و توسعه زندگی پیاده در شهر.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۶۳۵ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- دغل‌کار - کیسه پول قدیمی- بیش از حد معمول ۲- کتاب مرزبان‌نامه را از زبان طبری به فارسی دری بازگرداند ۳- دمای غیرطبیعی بدن- ذبح‌کننده شتر- نوعی نارنگی- مترادف آشغال ۴- پشتوانه مالی مطمئن برای افراد شاغل- منزل آذری- اخمو ۵- دهان کوچک- رخوت- پایتخت چک ۶- مؤلفه- هدیه‌دادن- سنگسارکردن ۷- نوعی سنجاب- پناهگاه- کفش می‌دوزد ۸- قدم یک‌پا- زین‌ساز- متعهد- برگزیده ۹- صمغی بسیار تلخ- رنگ سوگواری- مترسک ۱۰- سر بی‌مو- موضوع، مطلب- قتل سیاسی ۱۱- واحد نظامی- مواد معدنی فلزدار- حرف اول ۱۲-... گفتیم و عشق آغاز شد- هر بخش از مسابقه بوکس- از آلات موسیقی ۱۳- اندک- رنگ پوشش‌دهنده- جوان- گرداگرد دهان ۱۴- آهنگ‌ساز و رهبر ارکستر ایرانی و خالق سمفونی فردوسی ۱۵- خدای اندیشه و هنر در اساطیر یونان- شهری در انگلستان- از نیروهای سه‌گانه ارتش.

عمودی:

۱- خودکامه- قلعه بالای کوه- بدون آستر ۲- کارگذاشتن- نامی دخترانه- آشیانه پرندگان ۳- کشیدنی بی‌ضرر- تفریق- پهناور- رنج بی‌پایان! ۴- قشر، پوسته- مثل ماه- گله‌گزاری ۵- گرفتاری- حد و مرز- نوعی عمل جراحی ۶- توطئه پنهانی- سهل و ساده- سر بی‌مو ۷ - پایتخت لبنان- اجابت‌کننده- موزه مشهور آمستردام ۸ - نیمی از دنیا!- واحد پول قطر- تکیه‌کردن- الفبای موسیقی ۹- مشاهده‌کردن- هجوم- محل ذخیره کالا ۱۰- فریاد مهیب- اهرم زیرپایی- افراطی ۱۱- بهتان- از سیاره‌های درخشان منظومه شمسی- عشوه ۱۲- نوشین- خجالتی- نرده ۱۳- شکل ظاهری- عجیب- اقیانوس کبیر- حرف دهن‌کجی ۱۴- میوه تصفیه‌کننده خون- نشسته- کشور آسیایی با آب‌وهوای مدیترانه‌ای ۱۵- فنی در کشتی- تشبیه‌شده- کهنه و فرسوده.

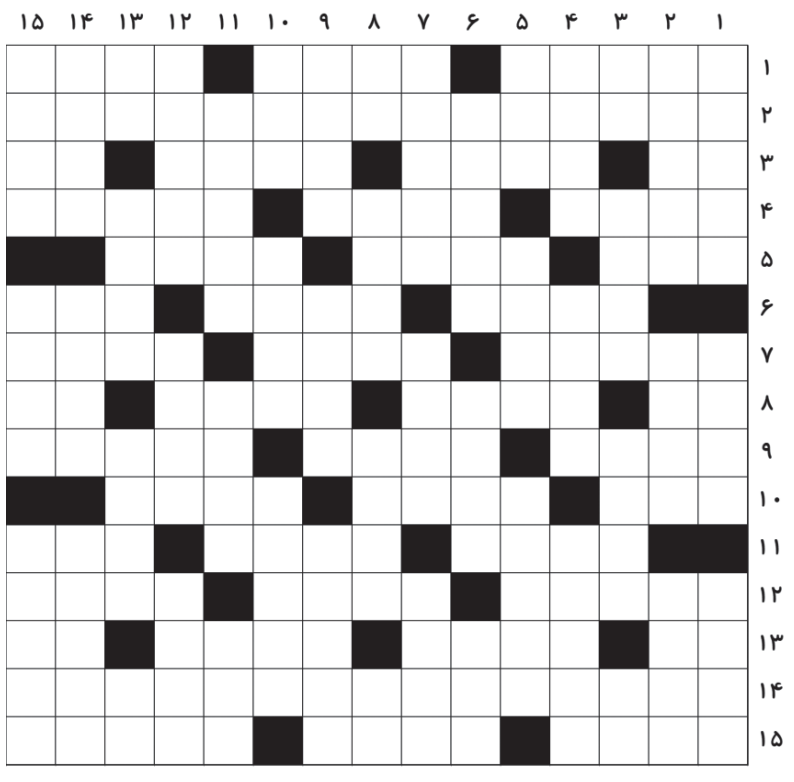

حل سودوکو سخت

۴	۳	۵	۲	۸	۹	۱	۶	۷
۷	۲	۹	۱	۵	۶	۴	۳	۸
۱	۶	۸	۳	۷	۴	۵	۹	۲
۵	۴	۱	۷	۶	۳	۲	۸	۹
۹	۸	۶	۴	۲	۱	۳	۷	۵
۲	۷	۳	۸	۹	۵	۶	۴	۱
۳	۱	۲	۹	۴	۸	۷	۵	۶
۸	۵	۷	۶	۳	۲	۹	۱	۴
۶	۹	۴	۵	۱	۷	۸	۲	۳

حل سودوکو ۱۶۳۱

۵	۶	۲	۷	۳	۹	۴	۸	۱
۴	۸	۱	۲	۶	۵	۳	۹	۷
۷	۹	۳	۴	۱	۸	۵	۶	۲
۲	۵	۴	۸	۷	۶	۹	۱	۳
۶	۱	۷	۳	۹	۴	۲	۵	۸
۸	۳	۹	۵	۲	۱	۶	۷	۴
۹	۷	۶	۱	۴	۲	۸	۳	۵
۱	۲	۵	۶	۸	۳	۷	۴	۹
۳	۴	۸	۹	۵	۷	۱	۲	۶

جدول ۲۶۳۴

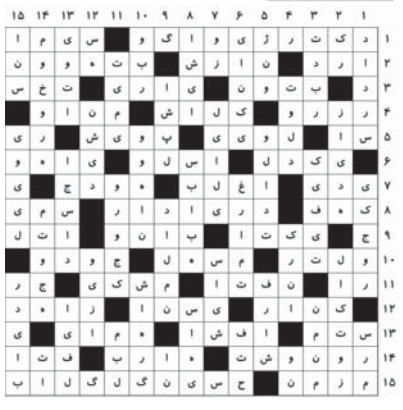

سودوکو سخت ۱۶۳۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۲	۸			۵			۹
			۹	۷			۳	
					۸	۲		۴
۴		۹						۸
	۳	۵		۲		۶		
۲	۶	۱	۵					
		۷			۶	۳		
۱					۷			۶
	۹			۵	۱			

سودوکو ۱۶۳۲

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۸			۱					۶
		۷		۸	۹		۳	
	۹				۵	۱		۸
						۵	۱	۳
۷	۵			۳		۶		
	۲	۳					۴	
		۹		۲	۸			
	۷	۶	۴					
۲					۷			۴